[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

فصلنامه علمی ـ پژوهشی تحقیقات بنیادین علوم انسانی در چهارچوب رسالت‌های مجمع عالی علوم انسانی اسلامی و با محوریت مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا منتشر می‌شود.
سال نهم / شماره ۴ / شماره پیاپی ۳۳ / زمستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: عطاءالله رفیعی آتانی
سردبیر: احمدحسین شریفی
مدیر اجرایی: سیدمهدی موسوی
بازبین نهایی: سیدمهدی موسوی
ویراستار: حمیدرضا عرفانی‌فر
صفحه‌آرا و طراح جلد: مهناز شاه علی‌زاده

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا: سعید بهشتی (استاد گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ایران.)، سید محمدرضا تقوی (استاد گروه روانشناسی بالینی دانشگاه شیراز. شیراز. ایران.)، عطاءالله رفیعی آتانی (استادیار گروه مهندسی پیشرفت اقتصادی دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران. ایران.)، احمدحسین شریفی (استاد گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره). قم. ایران.)، نجف لک‌زایی (استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع). قم. ایران.)، سید حسین میرمعزی (دانشیار گروه اقتصاد اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. قم. ایران.)، حسن آقانظری (استاد گروه اقتصاد اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)
اعضای مشورتی هیئت تحریریه: حسین بستان (دانشیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)، سید احسان رفیعی علوی (دانشیار گروه فقه مضاف دانشگاه باقرالعلوم(ع). قم. ایران.)، محمد کاویانی آرانی (دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)، محمدجواد نوروزی (استاد گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره))، جاوید اقبال (استاد دانشگاه اسلامی علیگر. هند.)، طلال عتریسی (استاد دانشگاه بیروت. لبنان.)

نشانی دفتر فصلنامه:
تهران: خیابان شهید مطهری، خیابان میرعماد، نبش کوچه هشتم، پلاک ۲۳ طبقه سوم
تلفن: ۰۹۹۳۵۴۰۴۶۱۷
کدپستی: ۱۵۸۷۸۱۳۱۱۶.

قیمت: ۱۵۰/۰۰۰ تومان
نشانی اینترنتی: frh.sccsr.ac.ir **پست الکترونیک:** frh@sccsr.ac.ir

ISSN: 2476-745X
E-ISSN: 2783-1418

فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی به استناد ماده واحده مصوب مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و براساس مصوبه ۵۸۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۶/۲۴ شورای عالی حوزه های علمیه، در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۰ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه از شماره ۱۵ به بعد حائز رتبه علمی ـ پژوهشی شد. رتبه علمی ـ پژوهشی این فصلنامه با درجه «ب» در تاریخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۳ تمدید شده است.

ـ مقالات و مطالب منتشرشده در فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، لزوماً بیان دیدگاه‌های فصلنامه نیست.
ـ فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.
ـ نقل مطالب و تصاویر با ذکر مأخذ بلامانع است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

| سال نهم | شماره ۴ | شماره پیاپی ۳۳ | زمستان ۱۴۰۲ |

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

بسمه تعالی

فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات بنیادین علوم انسانی به‌منظور تولید علم در قلمرو فلسفه و روش‌شناسی و نظریات بنیادین علوم انسانی به‌طور عام و نیز رشته‌های تخصصی علوم انسانی نظیر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت، حقوق، تاریخ، تعلیم و تربیت، هنر و معماری و غیره با لحاظ نگاه نقادانه به نظریات موجود و در چهارچوب مبانی و معارف اسلامی منتشر می‌شود.
لطفاً به هنگام تنظیم مقالات موارد ذیل رعایت شود:

شرایط اولیه پذیرش مقاله

- مقالات ارسالی به فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی نباید قبلاً در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا هم‌زمان جهت انتشار به همایش‌ها یا نشریات دیگر ارسال شده باشند.
- نویسنده باید مقاله را از طریق سامانه بارگذاری کند. به مقالات ارسالی از طریق ایمیل ترتیب اثر داده نخواهد شد.

قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش

مقالات باید در یکی از قالب‌های: پژوهشی (تحلیل، تطبیق، نقد) یا نقطه‌نظر (دیدگاه مستدل و تحلیلی نویسنده پیرامون یک مسئله خاص) باشد. مجله از پذیرش مقالات مروری صرف، گردآوری و گزارشی و ترجمه معذور است.

حجم مقاله

تعداد واژگان مقاله (با احتساب فهرست منابع): بین ۴۵۰۰ تا ۷۵۰۰ واژه
تعداد کلیدواژه‌ها: ۵ تا ۸ کلیدواژه
تعداد واژگان چکیده: ۱۵۰ تا ۲۵۰ واژه

نحوه درج مشخصات فردی نویسندگان

- تعداد نویسندگان مقالات نباید بیش از سه نفر باشد.
- وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با یکی از الگوهای ذیل در فایل word درج شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

○ **اعضای هیئت‌علمی**

رتبه علمی (مربی، استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی

○ **دانشجویان**

دانشجوی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی

○ **افراد و محققان آزاد**

مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی

○ **طلاب**

سطح (دو، سه، چهار)، رشته تحصیلی، حوزه علمیه/ مدرسه علمیه، شهر، کشور، پست الکترونیکی.

- نویسنده مسئول در آثاری که بیش از یک نویسنده دارند باید حتماً مشخص باشد. عبارت (نویسنده مسئول) جلوی نام نویسنده موردنظر درج شود.
- فرستنده مقاله به‌عنوان نویسنده مسئول در نظر گرفته می‌شود و کلیه مکاتبات و اطلاع‌رسانی‌های بعدی با وی صورت می‌گیرد.

ساختار مقاله

بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش‌های ذیل باشد:

۱. عنوان مقاله که لازم است اولاً مسئله‌محور باشد و ثانیاً، گویای محتوای مقاله باشد.

۲. نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان

۳. چکیده: چکیده باید در عین اختصار، بیانگر مسئله اصلی پژوهش، روش پژوهش و یافته‌ها و نتایج پژوهش باشد.

۴. مقدمه: [شامل تعریف مسئله، پیشینهٔ اجمالی پژوهش، ضرورت و اهمیت طرح، جنبهٔ نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی و مفاهیم کلیدی مقاله باشد. در یک مقالهٔ علمی پژوهشی نویسنده در بخش مقدماتی مقاله لازم است دست‌کم پاسخ چهار سؤال را به‌صورت ضمنی بیان کند: چه می‌خواهم بنویسم؟ (تبیین مسئله). چرا می‌خواهم بنویسم؟ (اهمیت و ضرورت پرداختن به آن مسئله). چگونه می‌خواهم بنویسم؟ (روش پژوهش) و بر اساس چه بنیانی می‌خواهم بنویسم؟ (پیش‌فرض‌ها یا اصول موضوعه تحقیق)].

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

۵. بدنـــهٔ اصلی مقاله: (این بخش با توجه به مســـئله‌ای که در هر مقالـــه‌ای موردبحث قرار می‌گیرد می‌تواند متفاوت باشـــد؛ اما به‌طورکلی می‌توان گفت، مناسب است نویسندگان مقالات علمی پژوهشـــی در نظر داشته باشند که در این بخش لازم است: اولاً، مدعای خود را به‌صورتی شفاف بیان کنند. ثانیاً، دلایل اثبات مدعی و شواهد و قرائن آن را به‌وضوح و در شکلی منطقی و منسجم بیان کنند و ثالثاً، نقدهای وارد شده به دلایل یا مدعا را پاسخ دهند.

۶. نتیجه‌گیری: یکی از بخش‌های مهم هر مقاله‌ای بخش نتیجه‌گیری آن اســـت. نویســـنده در این بخش لازم است ضمن بیان واضح یافته‌های تحقیق، مشخص کند که چه نتیجه یا نتایج علمی، عملی، سیاستی، فردی، اجتماعی و امثال آن از مقاله تدوین شده انتظار می‌رود.

۷. کتاب‌نامه

درج پانویس، ارجاعات درون متن و کتاب‌نامه

*** روش استناد دهی: APA

درج پانویس

* از اشاره مستقیم / غیرمستقیم به نام نویسنده / نویسندگان مقاله در متن یا پاورقی خودداری شود.
* اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ارجاعات توضیحی در پانویس ذکر شود.
* از نقل‌قول‌های مســـتقیم و طولانی پرهیز شود (لازم است حتماً در مقاله مشخص باشد کدام بخش از متن، نقل‌قول مستقیم است).
* نقل‌قول‌های مستقیم حداکثر تا ۴۰ کلمه در درون علامت نقل‌قول "" و بیش از آن به‌صورت تورفتگی نوشته شود.

ارجاعات درون متن

* ارجاع به یک آیه از سوره قرآن: (بقره: ۵)
* ارجاع به نهج‌البلاغه: (نهج‌البلاغه: خطبه، ۵۰)
* به‌هیچ‌وجه ارجاعی در پانویس درج نشود.
* اطلاعات کامل ارجاعات درون متن حتماً باید در بخش کتاب‌نامه مقاله نیز درج شود.
* اســـتناد درون متن، داخل پرانتز، شامل (نام خانوادگی نویســـنده/ نویسندگان، سال انتشار، حرف ج شماره جلد: حرف ص شماره صفحه).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

* برای تاریخ‌های قمری و میلادی به ترتیب از حروف ق و م استفاده شود. ۱۳۴۰ ق / ۱۹۹۸ م
* درصورتی‌که از یک نویســنده در یک سال، دو اثر منتشر شده و در متن مورد استناد قرار گرفته باشد، پس از ذکر سال انتشار با حروف (الف و ب) برای منابع فارسی یا (a, b) برای منابع انگلیسی از هم متمایز شوند.
* اگر منبع مورد استناد، دو یا سه نویسنده داشت، نام خانوادگی هر سه باید ذکر شود.
* اگر تعداد نویســنده‌ها بیش از ســه نفر باشد، تنها نام خانوادگی نویسنده اول ذکر شده و پس از آن از عبارت «و دیگران» استفاده شود.
* اگر در متن به بیش از یک منبع استناد شده باشد، با نقطه‌ویرگول؛ از هم جدا می‌شوند.

کتاب‌نامه (فهرست منابع پایانی)

*** قرآن و نهج‌البلاغه به ترتیب در ابتدای کتاب‌نامه درج‌شده و در ردیف الفبایی قرار نمی‌گیرند.
* در بخش References که منابع به انگلیسی درج می‌شوند، نام خانوادگی نویسنده به‌صورت کامل، اما از نام نویسنده، صرفاً حرف اول درج می‌شود. مثال: Alston, W
* برای تاریخ‌های قمری و میلادی به ترتیب از حروف ق و م استفاده شود. ۱۳۴۰ ق / ۱۹۹۸ م
* منابعی که در این بخش درج می‌شــوند، حتماً باید در متن استفاده شده باشند(منابعی که صرفاً برای مطالعه و آگاهی بیشــتر مخاطب در متن معرفی شده‌اند و در متن به آن‌ها ارجاع داده نشده، نباید در بخش کتابخانه درج شوند).
* نظم منابع باید براساس الفبای نام خانوادگی نویسندگان باشد.

نحوه ارجاع به مقالات

* نام خانوادگی، نام. ســال انتشــار. «عنوان مقاله». عنوان مجله (به‌صورت Bold). عدد دوره (عدد شماره). عدد صفحات آغازین و پایانی مقاله.
* برای درج عنوان مجله، نیازی به درج واژه‌های نشریه، مجله، فصلنامه، دو فصلنامه، ماهنامه نیست. مثال: پارسانیا، حمید؛ اژدری‌زاده، حسین. ۱۳۹۰. «تعین اجتماعی معرفت در نهج‌البلاغه». **اسلام و علوم اجتماعی**. شماره ۶. ص ۴۹-۷.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

نحوهٔ ارجاع به کتاب

* برای آثار فاقد محل نشر، ناشر و تاریخ نشر به ترتیب عبارت «بی‌جا»، «بی‌نا» و «بی‌تا» درج شود.
* نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان کتاب (به‌صورت Bold). ج (شماره جلد). چ (شماره چاپ). مترجم/ ویراستار/ گردآورنده: نام و نام خانوادگی. محل نشر: ناشر.

مثال: کنوبلاخ، هوبرت. ۱۳۹۰. **مبانی جامعه‌شناسی معرفت**. ترجمه کرامت‌الله راسخ. تهران: نشر نی.

نحوهٔ ارجاع به یک مقاله از مجموعه مقالات

* نام خانوادگی، نام (نویسندگان مقاله). سال انتشار. «عنوان مقاله». عنوان مجموعه مقاله (به شکل Bold). (ج شماره جلد). (چاپ شماره چاپ) (مترجم/ ویراستار/ گردآورنده: نام و نام خانوادگی). محل نشر: ناشر، ص (درج شماره صفحات مقاله در مجموعه مقاله).

نحوهٔ ارجاع به یک منبع الکترونیکی

* نام خانوادگی، نام (پدیدآورندگان). سال انتشار. «عنوان مطلب». تاریخ انتشار. نام پایگاه اطلاعاتی. درج لینک مستقیم مطلب الکترونیکی.

مثال: خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۷۶. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت‌وزیران به مناسبت آغاز هفته دولت». ۱۳۷۶/۶/۲.
www.leader.ir/fa/speech/1466/www.leader.ir

جداول، نمودارها و تصاویر

- فایل تصاویر مقاله با کیفیت بالا ضمیمه‌ی مقاله شود (ارسال تصاویر پس از پذیرش مقاله و قبل از صفحه‌آرایی، از طریق ایمیل فصلنامه).
- لازم است جداول و نمودارهای مقاله قابلیت ویرایش داشته باشد و به‌صورت عکس ارسال نشود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

فهرست مطالب

۱۱ **تعاریف گوناگون روش‌شناسی در علوم انسانی و نسبت آنها با روش**
غلامرضا پرهیزکار

۴۳ **نقد اثبات‌گرایی از منظر هستی‌شناسی اسلامی و تأثیر آن در تولید علم**
سیدمحمدرضا تقوی

۷۱ **جامعه‌شناسی معرفت از منظر ماکس وبر و منیرالدین حسینی**
محمدرضا قائمی نیک، محمد متقیان

۹۹ **کل‌گروی نصی در ساختار معرفت‌های دینی**
احمد سعیدی

۱۳۵ **مدل مفهومی «انسان اقتصادی متعارف»**
عطاءالله رفیعی آتانی

۱۷۱ **رویکرد تربیتی تراانسان‌گرایان و ضرورت آینده‌نگری و آینده‌پژوهی در این حوزه**
خدیجه قربانی سی‌سخت، محمدحسن کریمی، بابک شمشیری، فرهاد خرمایی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۱۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۸

تعاریف گوناگون روش‌شناسی در علوم انسانی و نسبت آنها با روش

غلامرضا پرهیزکار*

استادیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

parhizkar@iki.ac.ir

چکیده:

روش‌شناسی از اصطلاحات پرکاربرد در حوزه فلسفه علوم و علوم انسانی است. با وجود مفهوم به‌ظاهر روشن آن، تلقی‌های مختلفی از روش‌شناسی شکل گرفته و تعاریف متنوع و بعضاً مبهمی از آن مطرح شده است. این نوشتار در صدد ابهام‌زدایی از تعاریف، دسته‌بندی و مقایسه آن‌ها و سرانجام مشخص‌کردن نسبت این تعاریف از روش‌شناسی با روش است. در انجام تحقیق و برای گردآوری داده، از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به متون روش‌شناسانه و برای تحلیل، از روش تحلیل زبان‌شناسی و مقایسه، استفاده گردید. براساس یافته‌های تحقیق، دو تلقی کلی از روش‌شناسی مطرح است. نگاه غالب و مطرح در گفت‌وگوهای رسمی علمی، از منظر فلسفه علم یا پارادایم است و نگاه دوم، از منظر درون علمی است. مطابق نگاه اول، از مبانی و پیش‌فرض‌های علمی به‌ویژه پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی بحث می‌شود و آثار آن یا در کلیت و هویت علم یا در روش تحقیق علم ظاهر می‌شود. اما بر اساس نگاه دوم، بحث از مبانی علم، کنار گذاشته می‌شود و هدف از روش‌شناسی در این منظر، شناخت نظریه یا روش یک متفکر، فرایند تحقیق، روش‌های کاربردی تحقیق یا روش‌های به‌کاررفته در یک تحقیق خاص می‌باشد و در کل می‌توان از وجود نه تعریف از روش‌شناسی سخن گفت. تعاریف روش‌شناسی، معمولاً تأثیر جدی بر روش‌های کاربردی دارند اما خیلی اوقات، این تأثیر غیرمستقیم است.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی، فلسفه علم، علوم انسانی، مبانی علم، پیش‌فرض‌های علمی، روش تحقیق، روش‌های کمی و کیفی.

https://orcid.org/0000-0002-9269-1966

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

۱. مقدمه

روش، اقدامات یا فعالیت‌های مشخص و از قبل معین‌شده‌ای است که مرحله به مرحله برای رسیدن به هدف دنبال می‌شود و بسته به اینکه روش چه چیزی باشد، این فعالیت‌ها، متناسب با آن تعیین می‌گردد. روش مطالعه، روش تندخوانی، روش تدریس، روش مقاله‌نویسی، روش نظریه‌پردازی، روش تحقیق، ازجمله انواع روش هستند؛ لکن روشی که بیشترین تناسب را با مبحث روش‌شناسی دارد، روش تحقیق است. برای روش تحقیق تعاریف متعددی ذکر شده است (ر.ک: حسین‌زاده، ۱۳۹۶ الف، صص ۲۰-۲۲)، با این حال منظور از آن در کل واضح است و گروه زیادی آن را روش گردآوری و تحلیل داده‌ها برای پاسخ به مسئله تحقیق دانسته‌اند. منظور این نوشتار از روش نیز همین معنا خواهد بود. از نظر مصداقی هم وضعیت روش تحقیق در علوم انسانی تقریباً روشن است و روش‌های تحقیق را می‌توان در یک دسته‌بندی کلی به روش‌های کمی و کیفی و ترکیبی تقسیم کرد. روش‌های کمی، شامل روش‌هایی مانند پیمایش، آزمایش و ... و روش‌های کیفی شامل، تحلیل گفتمان، نشانه‌شناسی، پدیدارشناسی و... می‌گردد.

اما مسئله اصلی درک درست مفهوم «روش‌شناسی» است. از اصطلاح «روش‌شناسی» در بدو امر معنایی روشن و بی‌ابهام به ذهن متبادر می‌شود. یک «روش» داریم، اگر سراغ شناخت این «روش» برویم و به ارزیابی و نقد آن بنشینیم، به این کار «روش‌شناسی» می‌گویند. به‌بیان‌دیگر، اگر روش از نظر مصداقی همانی است که بیان شد، روش‌شناسی یعنی شناخت و ارزیابی هر یک از همان روش‌های کمی و کیفی یا ترکیبی، حال چه در مقام گردآوری و چه در مقام تحلیل. بااین‌وجود، وقتی به متون مربوط به روش‌شناسی مراجعه می‌شود، آنچه درباره آن بحث نمی‌شود، تقریباً همین سنخ مباحث است. یعنی در معمول تعاریف موضوع بررسی روش‌های کاربردی نیست. به‌جای آن با امری با ویژگی‌های ذیل

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

مواجهیم: اولاً گاه نابجا از واژگان روش و روش‌شناسی استفاده می‌شود و معلوم نیست کدام‌یک مدنظر است؛ ثانیاً: تعاریف ذکرشده تنوع و گوناگونی زیادی دارند که خود ابهام‌زا است و بعضاً در تعریف، به ذکر عباراتی کوتاه و غیرواضح بسنده شده است؛ ثالثاً در تعاریف از مفاهیمی استفاده می‌شود که از روش تحقیق کم یا زیاد فاصله دارند؛ رابعاً: اهداف ذکرشده یا قابل فهم برای روش‌شناسی متنوع و بسیاری اوقات مانند مفاهیم آن از روش‌های کاربردی فاصله می‌گیرند. این توصیف، لزوم ایضاح منظور از روش‌شناسی را نشان می‌دهد و مطابق آن، پرسش اساسی این است که دقیقاً منظور از روش‌شناسی چیست؟ چند نوع تعریف با اهداف متفاوت از روش‌شناسی مطرح شده است؟ و در کل روش‌شناسی با روش چه نسبتی دارد؟ براین‌اساس، تلاش مقاله بر آن است تا از طریق تجزیه و توجه به ترکیب هر تعریف و تحلیل توضیحات ذکرشده برای آنها به این پرسش پاسخ دهد که گستره تعاریف روش‌شناسی تا کجاست و برای ایضاح معانی آنها و مشخص‌کردن معنا یا تلقی غالب احتمالی یا معانی متصور و کاربردی در پی دسته‌بندی تعاریف از طریق مقایسه آنها است و البته می‌خواهد نسبت هر یک را با روش تحقیق روشن سازد.

روش انجام این تحقیق، در مقام گردآوری، کتابخانه‌ای و مراجعه به متون روش‌شناسانه برای دریافت تعاریف و توضیحات پیرامون آن است و در مقام تحلیل از روش تحلیل زبان‌شناسی و مقایسه، استفاده گردید و مراحل و فرایند ذیل مدنظر قرار گرفت: تجزیه تعاریف به مفاهیم به‌کاررفته در آنها؛ لحاظ نحوه ترکیب مفاهیم در کل تعریف و ساخت کلی تعریف؛ فرایند کار ذکرشده برای روش‌شناسی؛ هدف متفاهم از روش‌شناسی در تعریف؛ توجه به مثال‌ها یا مصداق‌های احتمالی ذکر شده برای روش‌شناسی. گام بعد نیز مقایسه تعاریف از طریق رفت‌وآمد زیاد بین آنها جهت دسته‌بندی‌شان خواهد بود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

پیش از ورود به بحث، توجه به این نکته مناسب است که این تحقیق به‌دنبال فهم روش‌شناسی در علوم انسانی است؛ اعم از نگاه‌هایی که علوم انسانی را در ذیل و ادامه علوم طبیعی لحاظ کرده‌اند و نگاه‌هایی که به‌دنبال تفکیک علوم انسانی و علوم طبیعی و لحاظ جایگاه مستقل برای علوم انسانی بوده‌اند و همین‌طور دیدگاه‌هایی که علوم انسانی را عرصه‌ای تصور کرده‌اند که هم‌زمان می‌توان به آن از منظر علوم طبیعی و انسانی نگریست؛ ازهمین‌رو، روش‌های ترکیبی را برای مطالعه پدیده‌های انسانی مناسب می‌بینند.

۲. تعاریف روش‌شناسی

برخلاف ابهامی که از آن سخن رفت، برخی آثار، گویا چنان این مفهوم را روشن و بدیهی تلقی کرده‌اند که با وجود استفاده از اصطلاح «روش‌شناسی» در بخشی از عنوان کتاب، خود را از تعریف آن بی‌نیاز دانسته‌اند؛ برای مثال کتاب روش‌شناسی مطالعات انقلاب، با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران (طالبان، ۱۳۹۳). هرچند با مطالعه کتاب می‌توان منظور نویسنده از روش‌شناسی را فهمید، ولی در کتاب مستقلاً و مشخصاً تعریفی برای روش‌شناسی بیان نشده است. عین همین وضعیت در کتاب روش‌شناسی مطالعات دینی (تحریری نو) (فرامرزقراملکی، ۱۳۸۵)، تکرار شده است. در برخی منابع نیز به تعریف شرح اللفظی اکتفا شده و روش‌شناسی را شناخت یا مطالعه روش‌ها معرفی کرده‌اند.[۱] از این موارد که گذر کنیم، متونی که به ارائه تعریف مفهومی از روش‌شناسی پرداخته‌اند، موضوع مطالعه و بررسی قرار گرفت. دسته‌بندی ذیل، حاصل همین بررسی است و براساس آن و با هدف فهم معانی و رفع ابهام، تعاریف در دو دسته کلی لفظی و مفهومی دسته‌بندی شدند.

۱ برای نمونه، ر.ک: (Cartwright & Montuschi, 2014, p. 6).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

۲-۱. دسته‌بندی لفظی

بخشی از ابهام روش‌شناسی ناشی از کاربست تاحدی بی‌ضابطه «روش» و «روش‌شناسی» در کنار هم، یا به‌جای هم یا به‌صورت لفظ مشترک است. در ادامه به برخی از این کاربردها اشاره می‌شود.

۱-۱-۲. کاربرد روش‌شناسی به جای روش

در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، برخی قائلند گاه اصطلاح متدلوژی یا روش‌شناسی به‌کار می‌رود و منظور از آن متد یا روش است و صرفاً به دلیل فخامت و ارزش‌گذاری برای روش از اصطلاح روش‌شناسی یا متدولوژی با پسوندهای شناسی یا لوژی استفاده می‌شود؛ مانند آنجا که تکنولوژی را به کار می‌بریم و منظورمان شناخت تکنیک نیست، بلکه خود تکنیک است (شریفی، ۱۳۹۵، ص ۳۱). دراین‌باره بلاگ در پیشگفتار کتاب خود می‌گوید: روش‌شناسی گاه معادل پرطمطراقی برای واژه روش است (بلاگ، ۱۳۸۰، ص ۳۵). یک نمونه از کاربرد روش‌شناسی به‌جای روش و توضیح روش در ذیل عنوان روش‌شناسی، کتاب مقدمه‌ای بر پدیدارشناسی با تمرکز بر روش‌شناسی اثر چریل تاتانو بک است. در این کتاب که روش‌شناسی در عنوان آن نیز آمده، مثل برخی کتب دیگر، تعریفی از روش‌شناسی ارائه نکرده، اما نویسنده روش‌شناسی پدیدارشناسی را در تقابل با فلسفه پدیدارشناسی قرار می‌دهد و هدف خود را طرح بحث مغفول‌مانده روش‌شناسی پدیدارشناسی بیان می‌کند (بک، ۱۴۰۰، ص ۲-۳) و منظور او از روش‌شناسی در واقع همان روش پدیدارشناسی است و آن را به دو دسته توصیفی و تفسیری تقسیم می‌کند و کتاب را برای تدریس درس «روش» تحقیق کیفی مناسب می‌داند (همان، ص ۳) یعنی محتوای کتاب را دارای ماهیتی روشی می‌داند، بااین‌حال، هنگامی که می‌خواهد به توضیح مراحل هریک از روش‌های مذکور بپردازد از تعبیر روش‌شناسی استفاده می‌کند. در همین‌جا می‌توان یک مرحله از ابهام

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

زدایی از مفهوم روش‌شناسی را انجام داد که برخی این اصطلاح را به کار برده‌اند و منظورشان همان روش تحقیق است.

۲-۱-۲. کاربرد روش به‌جای روش‌شناسی

گاه در حالی که بحث در سطح مباحث فلسفی و فلسفه روشی است، از اصطلاح روش استفاده می‌شود. بلیکی دراین‌باره می‌گوید: برخی واژه‌ها همچون «روش علمی» نیز در بسیاری موارد از سوی فیلسوفان، زمانی که می‌خواهند به «روش‌شناسی» یا حتی «شناخت‌شناسی» اشاره کنند، به‌کار برده می‌شود (بلیکی، ۱۳۹۳، ص ۶۴).

۳-۱-۲. کاربرد روش‌شناسی به معنای اعم از روش و روش‌شناسی

برخی، روش‌شناسی را به معنای اعم از روش و روش‌شناسی در نظر گرفته‌اند؛ به‌طوری‌که هم‌زمان هر دو را در برمی‌گیرد. نمونه آن، تعریف پاوسون است. پاوسون، روش‌شناسی را اصول و تمرین در تحقیق معرفی می‌کند. «اصول» ناظر به ابعاد معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی مرتبط با تحقیق است. مثلاً هستی‌شناسی ماهیت واقعیت را توضیح می‌دهد و «تمرین» همان متد یا روش است که تکنیک‌های عملی تحقیق را در بر می‌گیرد (حسنی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۳۰).

از عبارت هرچند کوتاه ویاتر در بیان منظور خود از روش‌شناسی نیز چنین برداشتی می‌شود که روش‌شناسی دو معنای نظری و فنی دارد که معنای نظری همان استراتژی تحقیق است و معنای فنی، روش‌های کاربردی تحقیق. او می‌گوید: «اصطلاح «روش‌شناسی» در این کتاب به معنای نظری و نه فنی آن به کار می‌رود. چیزی که به استراتژی تحقیقات علوم اجتماعی اشاره دارد، نه به ابعاد فنی و تکنیکی جامعه‌شناختی (Wiatr, 1379, p. ix).

تعریفی از نیومن نیز، این اعم بودن را می‌رساند. او می‌گوید: «این متن هم روش‌شناسی و هم روش‌های تحقیق علوم اجتماعی را در نظر می‌گیرد. ممکن است اصطلاحات مترادف به‌نظر برسند، اما روش‌شناسی گسترده‌تر است و روش‌ها را در بر می‌گیرد» (Neuman, 2014, p. 2).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

۴-۱-۲. تفکیک روش از روش‌شناسی

برخی به درستی روش و روش‌شناسی را از هم تفکیک کرده و برای هر یک ساحتی مجزا در نظر گرفته‌اند. نمونه آن تعریف سیلورمن است. در نگاه او روش به یک تکنیک پژوهشی خاص اشاره دارد اما روش‌شناسی رویکرد کلی به مطالعه موضوعات پژوهش است (ناروئی نصرتی و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۴۰۰).

نمونه دیگرآن تعریف بلیکی از روش و روش‌شناسی است. او روش‌های تحقیق را به تکنیک‌ها و رویه‌های واقعی برای گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌کار می‌برد و روش‌شناسی را به تجزیه و تحلیل چگونگی انجام تحقیق در مسیر تولید نظریه تعریف می‌کند (ر.ک: بلیکی، ۱۳۹۳، ص ۶۴).

بحث از دسته‌بندی لفظی روش‌شناسی را با این نتیجه‌گیری به پایان می‌بریم که سه کاربرد نخست، یعنی روش‌شناسی به‌جای روش، یا روش به‌جای روش‌شناسی یا روش‌شناسی به معنایی اعم از روش‌شناسی و روش، ابهام‌زا و سبب سوء تفاهم علمی و پیچیدگی می‌شود و به‌جاست از آن اجتناب کرد و طبق دسته اخیر، روش را از روش‌شناسی تفکیک کرد و اصطلاحات علمی را در ورطه ابهام نیفکند. بلیکی در یک تعبیر گلایه‌آمیز به خلط این دو مفهوم اشاره می‌کند و می‌گوید: گرایش اغلب کتاب‌ها این است که این دو واژه را به‌جای هم به کار برند یا یکی را به‌کار می‌برند، درحالی‌که دیگری درست است. به‌ویژه روش‌شناسی اغلب زمانی به‌کار می‌رود، که در آنجا کاربرد واژه روش مناسب‌تر است (ر.ک: بلیکی، ۱۳۹۳، ص ۶۳).

۲-۲. دسته‌بندی مفهومی

به‌لحاظ مفهومی نیز از روش‌شناسی برداشت‌های متفاوت و بعضاً نزدیک به هم صورت گرفته است. برای تعیین مرزهای مفهومی به ذکر برخی از برداشت‌های به‌دست‌آمده یا قابل‌طرح، می‌پردازیم:

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

۱-۲-۲. روش‌شناسی: پارادایم

در برخی تعاریف، بین روش‌شناسی و پاردایم نسبت برقرار شده است. طبق نقل حسنی و دیگران از نیومن، «نوعی پارادایم فکری حاکم بر تحقیق به‌وسیله روش‌شناسی معرفی می‌شود» (بلیکی، ۱۳۹۳، ص ۳۰، مقدمه مترجمین کتاب). یا لاتر می‌گوید: در روش‌شناسی، اصول نظری یا چهارچوب نظری معرفی می‌شود که چگونگی انجام تحقیق براساس یک الگو یا پارادایم فکری راهنمایی می‌گردد (لاتر، ۱۹۹۲، ص ۸۷ به نقل از همان). طبق این دو تعریف، روش‌شناسی در سطح پارادایمی مطرح و مطابق تعریف نخست بیانگر نوعی پارادایم فکری است که بر روش تحقیق حاکم است. ایمان و کلاته نیز در تعریف خود، روش‌شناسی را متأثر از پارادایم می‌دانند اما اثر آن را نه در روش انجام تحقیق بلکه در کلیت تولید و توسعه معرفت دنبال می‌کنند و در تعریف آن می‌گویند: «روش‌شناسی فرایند تولید و توسعه معرفت است که ریشه در مفاهیم هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی هر حوزه پارادایمی دارد» (ایمان و کلاته، ۱۳۹۹، ص ۴۶۳). آن‌ها معتقدند هر نوع پارادایمی، یک نوع روش‌شناسی خاص خود را دارد: «روش‌شناسی ارجاع به چگونگی کسب و تولید معرفت از واقعیت دارد که البته ازآنجاکه واقعیت در پارادایم‌های مختلف مفاهیم متفاوتی دارد، روش‌شناسی علم در هر کدام از این پارادایم‌ها نیز منحصر و خاص آن پارادایم است» (همان، ص ۵۹۹). آنها همچنین تعریف ذیل را از نیومن برای روش‌شناسی ذکر می‌کنند: «در تحقیقات علمی، روش‌شناسی به مجموعه‌ای از عقاید، قوانین، تکنیک‌ها و رویکردهایی اطلاق می‌شود که توسط جامعه علمی اندیشمندان به‌کار برده می‌شود» (نیومن، ۱۹۹۷، ص ۹ به نقل از همان، ص ۵۹۹). این تعریف در متن اصلی کتاب نیومن البته در ویراست هفتم آن (Neuman, 2014) یافت نشد، اما این تعریفِ مورد اقبال ایمان و کلاته، درواقع یکی از دو تعریف اصلی کوهن از پارادایم است (حسین‌زاده، ۱۳۹۶ ب، ص ۲۴) و قرارگرفتن «تکنیک» در درون تعریف

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

نشـانگر آن اسـت کـه روش‌شناسـی روش را نیـز در برمی‌گیـرد و نیـومن چنـین اعتقـادی دارد (Neuman, 2014, p. 2).

اما نکته قابل‌دقت در بیان ایمان و کلاته آن است که نزاع‌های روش‌شناسـی را در سـطح پارادایمی و نه روشی نگه می‌دارند و بر همین اساس بین روش‌شناسـی و روش تمـایز قائـل می‌شوند (ایمان و کلاتـه، ۱۳۹۹، ص ۴۶۴). و معتقدنـد: روش‌شناسـی، ریشـه در مبـانی بنیادین حوزه علم دارد درحالی‌که روش ابزاری است که می‌تواند جدا از مفاهیم بنیادین هـر حوزه علمی یا پارادایمی، در همه پاردایم‌ها مـورد اسـتفاده قـرار گیـرد (همـان، ص ۴۶۳). بنابراین پارادایم‌ها یا روش‌شناسی‌های متمایز ممکن است از حیث روشی مشترک و مـثلاً از ابزارها و تکنیک‌های یکسان برای گردآوری داده اسـتفاده کننـد. ایـن تفـاوت از آشـکارترین مواردی است که بین روش و روش‌شناسی فاصله زیادی می‌افتد. گویا روش‌شناسی غیریـت خود را نسبت به روش به‌کلی از دست داده است.

۲-۲-۲. روش‌شناسی: فلسفه علم

در یک تعبیر، روش‌شناسی به معنای شناخت روش درست تولید علم است. یعنی شـناخت مسیری که طی کردن آن، ما را به علم می‌رساند. از سویی فلسفه علـم، علم‌شناسـی و نگـاه درجه دو به یک علم است. در فلسفه علم درست اسـت کـه بـه امـوری چـون تاریخچـه و تحولات علم، اهداف علم، رابطه آن به دیگر علوم، خروجی آن و غیره نیـز می‌پردازنـد، امـا وظیفه اساسی فلسفه علم یا علم‌شناسی بحث دربـاره ماهیـت و علمیـت علـم و چگـونگی دستیابی به علم است و به‌عبارت‌دیگر، بخش مهم بحث درباره شیوه‌های معتبر تولیـد علـم است که یکی از برداشت‌های شایع از روش‌شناسی است. بنـابراین می‌تـوان بخـش اصـلی فلسفه علم را با روش‌شناسی یک چیز در نظر گرفت و با تسامح روش‌شناسی و فلسفه علـم را معادل هم دانست یا روش‌شناسی را جوهره فلسفه علم در نظر گرفت.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

بر همین اساس، برخی در تعریف فلسفه علم آن را مساوی با روش‌شناسی تعریف کرده‌اند. برخی نیز در تعریف روش‌شناسی، آن را همان فلسفه علم در نظر گرفته‌اند. در ادامه به این دو دسته نظر، توجه می‌دهیم: برای نگاه اول به تعریف برایان فی اشاره می‌شود که فلسفه علوم اجتماعی را معادل روش‌شناسی علوم اجتماعی در نظر می‌گیرد: برایان فی در طرح مسئله فلسفه علوم اجتماعی، در مقدمه کتاب خود فلسفه امروزین علوم اجتماعی می‌گوید: «در سرتاسر بخش اعظم تاریخ فلسفه علوم اجتماعی سؤال اساسی این بوده است: آیا علوم اجتماعی «علمی» هستند یا می‌توانند باشند؟ دانشمندان علوم اجتماعی از نظر تاریخی همواره در پی این ادعا بوده‌اند که ردای علم به تن علوم اجتماعی برازنده است و الگوی پژوهش‌های‌شان را از علوم طبیعی می‌گرفته‌اند» (فی،۱۳۸۱، ص ۹). فی در ادامه به نگاه فرهنگی به علوم اجتماعی توجه می‌دهد و به‌طورخلاصه در نظر فی، چه در مقام پذیرش الگوی علوم طبیعی و چه در مقام نقد آن، همه دنبال یک روش‌شناسی برای علوم اجتماعی بوده‌اند که چگونه می‌توان در حوزه اجتماع و فرهنگ به علم رسید و مختصات روشی علوم اجتماعی و فرهنگی چیست. با این بیان پیوند وثیق و این همانی زیادی بین فلسفه علوم اجتماعی و روش‌شناسی وجود دارد.

تعریف جان لازی از فلسفه علم نیز متمرکز بر ابعاد روش‌شناسانه است. جان لازی در تعریف مد نظر خود، می‌گوید: فیلسوف علم به‌دنبال پاسخ به این قبیل پرسش‌ها است:

۱. چه مشخصه‌هایی تحقیق علمی را از سایر انواع پژوهش متمایز می‌سازد؟

۲. داشنمدان در مطالعه و بررسی طبیعت چه روش‌هایی را باید اتخاذ کنند؟

۳. برای آنکه یک تبیین علمی صحیح باشد، چه شرایطی باید احراز گردد؟

۴. قوانین و اصول علمی از نظر شناسایی یا معرفت بخشی چه مقام و موقعی دارند؟ (لازی، ۱۳۶۲، ص ۳)

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

لازی در ادامه تعبیری دارد که نسبت فلسفه علم با روش و روش‌شناسی را بیشتر روشن می‌کند. او می‌گوید: پرسیدن این سوال‌ها گامی فراتر از راه و روش خود علم است. میان فعالیت علمی و تفکر درباره اینکه فعالیت علمی چگونه باید انجام شود، تمایزی وجود دارد و آنگاه می‌افزاید: تحلیل روش علمی یک رشته ثانوی است که موضوع آن عبارت است از روش‌ها و ساخت‌های علوم مختلف (همان). این عبارت که برای توضیح فلسفه علم است، عبارت اخری روش‌شناسی است.

اما اگر از سویه روش‌شناسی بخواهیم به فلسفه علم نزدیک شویم، می‌توان به تعبیر مارک بلاگ اشاره کرد که می‌گوید: روش‌شناسی علم اقتصاد را صرفاً می‌باید به‌عنوان کاربرد فلسفه علم در این دانش تلقی کرد (بلاگ، ۱۳۸۰، ص ۳۵).

چنان که عبارت نقل‌شده از ایمان و کلاته «روش‌شناسی فرایند تولید و توسعه معرفت است که ریشه در مفاهیم هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی هر حوزه پارادایمی دارد (ایمان و کلاته، ۱۳۹۹، ص ۴۶۳). افزون بر اینکه با تعبیر پارادایم همراه شده، مفهوم آن، معادل فلسفه علم نیز می‌باشد. ایشان در جای دیگر و به نقل از حقیقت، روش‌شناسی را شاخه‌ای از فلسفه علم معرفی می‌کنند (حقیقت، ۱۳۸۷، ص ۴۹ به نقل از همان، ص ۵۹۹) تمایز و تشابه پارادایم و فلسفه علم را در جای خود باید دنبال کرد و اما ابهام در تمایز بین این دو، به‌طور طبیعی به روش‌شناسی نیز سرایت پیدا می‌کند.

اما نکته روشنی‌بخش پایانی آنکه طرح چنین مباحثی در فلسفه علم و فلسفه علوم انسانی و اجتماعی، تاحدی با هم تمایز مصداقی پیدا می‌کنند. در مثال‌های پیشین نیز نقل قول جان لازی در ذیل فلسفه علم و نظر برایان فی در ذیل فلسفه علوم اجتماعی قرار می‌گرفت. وقتی روش‌شناسی را در ذیل فلسفه علم، دنبال می‌کنیم، پرسش‌ها عمدتاً کلی‌تر و ناظر به علم یا علوم طبیعی هستند و مثلاً به پرسش‌هایی مانند رابطه مشاهده و نظریه،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

اعتبار استقرا و غیره می‌پردازند. هرچند چنین پرسش‌هایی به حوزه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی نیز کشیده می‌شود. اما وقتی روش‌شناسی در ذیل فلسفه علوم انسانی و اجتماعی مطرح می‌گردد، پرسش‌های خاص‌تر مربوط به این علوم، نمایان می‌شوند و مثلاً از تفاوت دلیل و علت و یا امکان تعمیم یا اکتفا به روایت‌های تفریدی بحث می‌شود و در کلیت خود، رویکردهای نظری تبیینی و تفسیری و انتقادی معیار دسته‌بندی مباحث روش‌شناسی می‌گردد و در هنگام نزدیک‌تر شدن به روش، مباحث ناظر به دو دسته عام روش‌های کمی و کیفی مطرح می‌گردند. ازهمین‌رو است که در بسیاری از آثار، مباحث روش‌شناسی از نظر مصداقی حول محور ویژگی‌های روش‌های کمی و کیفی متمرکزند. یعنی مباحث از سمت رویکردهای نظری سه‌گانه به سمت روش سوق می‌یابد. در بحث از روش‌شناسی به مثابه فلسفه بخشی از علم (روش) به این مبحث بازخواهیم گشت. اما در فلسفه علوم انسانی می‌توان به مشترکات سه رویکرد نظری نیز پرداخت که در این صورت داوری‌ها درباره هویت مشترک علوم انسانی خواهد بود و در نتیجه، روش‌شناسی از روش فاصله می‌گیرد. این نگاه، در معنای نخست از روش‌شناسی که به مثابه پارادایم لحاظ شد، نیز مطرح گردید.

۳-۲-۲. روش‌شناسی: بخشی از فلسفه علم (مبانی معرفت‌شناسی)

امروزه در فلسفه علم به نقش جامعه و تاریخ و فرهنگ در شکل‌گیری معرفت توجه می‌کنند و فلسفه علم را از منظر تحولات تاریخی یا جامعه‌شناسی معرفت دنبال می‌کنند. اما در نگاه‌های اولیه بیشتر مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مورد توجه بود. در همان نگاه‌های اولیه، برخی وقتی از روش‌شناسی سخن می‌گویند توجه‌شان عمدتاً یا منحصراً معطوف به تأثیر مبانی معرفت‌شناسی بر تولید علم است. در این نگاه، روش‌شناسی شامل همه انواع مبانی یا اصول یک علم نمی‌شود و به‌جای آن، تمرکز یا تأکید بر مبانی یا اصول معرفت‌شناسانه قرار می‌یابد. این گروه، روش‌شناسی را تقریباً همان معرفت‌شناسی یا در

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

ادامه آن می‌دانند. یک نمونه آن، تعریف ذیل است که روش‌شناسی را زیر مجموعه معرفت‌شناسی و بخشی از فلسفه علم می‌داند: «در فلسفه علم با معرفت‌شناسی و روش‌شناسی سروکار داریم. معرفت‌شناسی، به طور کلی شاخه‌ای از معارف فلسفی است که به موضوع شناخت، رابطه ذهن و عین در فرایند شناخت و چگونگی شناخت معتبر می‌پردازد و روش‌شناسی، به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از مباحث معرفت‌شناسی، چگونگی شکل‌گیری مفاهیم بنیادی علوم و اعتبار منطقی و تجربی قضیه‌ها و استدلال‌های مبتنی بر آن‌ها را بررسی می‌کند (غنی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۳-۴).

تعریف ذیل از چاکرابورتی نیز تقریباً فرق چندانی بین روش‌شناسی و معرفت‌شناسی قائل نمی‌شود: منظور ما از روش مجموعه‌ای از ابزارها یا فنون است که با رویکردی که در پژوهش به‌کار می‌رود، صورت‌بندی می‌شود. اما روش‌شناسی به چهارچوبی مربوط می‌شود که روش‌های خاص در آن ارزیابی می‌شوند. به‌بیان‌دیگر می‌توان گفت، روش‌شناسی با این پرسش عام‌تر که «چگونه می‌دانیم آنچه را می‌دانیم» سروکار دارد. چیزی که از نظر معنایی تقریباً به آنچه ما به‌عنوان معرفت‌شناسی می‌شناسیم نزدیک است (Chakraborty, 2020, p. 20) و البته به مباحث انضمامی روشی نمی‌پردازد.

۴-۲-۲. روش‌شناسی: فلسفه بخشی از علم (نظریه یا روش)

در تعریف دوم، روش‌شناسی معادل فلسفه علم، در نظر گرفته شد و مطابق با آن به اموری مانند مبانی اصول و منطق حاکم بر تولید علم می‌پردازد. در اینجا روش‌شناسی درصدد پرتوافکنی بر علم، به کلیت آن، برای روشن‌کردن هویت آن است. اما در برخی تعاریف دیگر روش‌شناسی، به‌جای آنکه به کلیت علم توجه شود، نسبت به برخی اجزای سازنده علم یعنی نظریه یا روش آن علم تأکید می‌شود. ازهمین‌رو در روش‌شناسی همان مبانی، اصول و منطق کلی حاکم بر کار علمی مد نظر است اما مطابق آنچه ابراز می‌شود، هدف و

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

خروجی این نوع مطالعه، محدود و معطوف به بخشی از علم یعنی نظریه یا روش است. ازاین‌رو در نام‌گذاری آن را فلسفه بخشی از علم نامیدیم.

۱-۴-۲-۲. روش‌شناسی: فلسفه بخشی از علم (یعنی نظریه)

در برخی تعاریف، روش‌شناسی را ناظر به نظریه‌های علم تعریف کرده‌اند. یعنی حاکمیت و اثرگذاری مبانی و اصول را بر نظریه بررسی می‌کنند. در اینجا دو معنا متصور است. یکی آنکه مبانی علم چگونه امکان آزمون یا تولید نظریه را فراهم می‌آورد. دراین‌صورت، از نظریه سخن می‌رود اما در اصل منظور روش آزمون یا تولید نظریه است و به واقع در دسته بعد قرار می‌گیرد که مبانی را بر روش تحقیق اثرگذار می‌داند. معنای متصور دوم بررسی تأثیر مبانی بر محتوای نظریه و علم است. اینجا اگر آن را روش‌شناسی نیز می‌نامیم به دلیل آن است که درصدد بیان مسیری است که مبانی طی می‌کند تا به نظریه تبدیل شود و تعین‌بخش محتوای آن باشد.

نمونه تعریف مبتنی بر تصور اول تعریف بلاگ است. او معتقد است روش‌شناسی اقتصاد به مطالعه این امر می‌پردازد که اقتصاددانان چگونه نظریات خود را توجیه می‌کنند و چه دلایلی برای ترجیح یک نظریه بر نظریه دیگر دارند (بلاگ، ۱۳۸۰، ص ۱۲).

اما در برخی تعاریف مانند تعریف ذیل از بلیکی هم‌زمان به روش و نظریه به‌عنوان دو بخش اصلی علم توجه شده است. بلیکی روش‌شناسی را تجزیه و تحلیل چگونگی انجام تحقیق می‌داند اما مصداقا آن را با چگونگی تولید نظریه توضیح می‌دهد. «روش‌شناسی تجزیه و تحلیل چگونگی انجام تحقیق است. روش شناس در مورد این بحث می‌کند که چگونه نظریه‌ها [در هنگام انجام تحقیق] ایجاد می‌شوند و مورد آزمون قرار می‌گیرند، چه نوع منطقی [در تحقیق برای ایجاد نظریه] به‌کار برده می‌شود؟ این نظریه‌ها از چه معیارهایی باید برخوردار باشند؟ نظریه‌ها شبیه چه چیزی هستند و چگونه دیدگاه‌های نظری معین می‌توانند با مسائل تحقیق معین ارتباط یابند؟» (بلیکی، ۱۳۹۳، ص ۶۴)

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

در تعریف ذیل نیز هم‌زمان به هر دو توجه شده است. در ابتدا به روش و در انتها که درصدد بیان مثال است به نظریه توجه نشان می‌دهد: «روش‌شناسی، منطق تحقیق مسائل و پدیده‌های تحقیق علمی است. به دیگر تعبیر، گزاره‌های علمی در حوزه‌های علوم طبیعی و انسانی بر اساس منطق و اصولی رد یا قبول می‌شوند که روش‌شناسی این اصول و دلایل و اعتبار انها را مطالعه و بررسی می‌کند. مثلاً روش‌شناسی علم اقتصاد عبارت است از تحقیق درباره دلایل اعتبار نظریه‌های اقتصادی و ارزیابی برتری آن‌ها نسبت به یکدیگر» (آقانظری، ۱۳۹۶، ص ۱۲).

اما معنای متصور دوم از روش‌شناسی نظریه، شناسایی مسیر و روشی بود که مبانی طی می‌کند تا در اجزای ظاهر یا باطن نظریه حضور یابد. یعنی مبانی نه در در روش تولید بلکه در محتوای نظریه و در کل در محتوای گزاره‌های علمی اثرگذار است. مثال آن، مواردی است که مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و یا حتی معرفت‌شناسی در محتوای تولیدات و گزاره‌های علمی تأثیر می‌گذارند. مثلاً اینکه انسان دارای چه نوع غرایزی دانسته شود، نظریه‌های مختلفی مثل نظریه فروید یا گزینش عقلانی را به دست می‌دهد یا پذیرش این مبنای انسان‌شناسانه که انسان حیوانی معناساز است، افزون بر تأثیر بر روش که در ادامه توضیحش می‌آید، بر محتوای علم یا نظریه نیز مؤثر واقع می‌شود؛ مانند آنجا که ماکس وبر، بر اساس همین نگاه انسان‌شناسانه، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی خود درباره کنش را می‌سازد و مطابق با آن کنش‌های حیوان معناساز را دسته‌بندی و انواع کنش (عقلانی معطوف به هدف، عقلانی معطوف به ارزش، عاطفی و سنتی) و به تبع آن انواع اقتدار (قانونی، سنتی و کاریزماتیک) را مطرح می‌کند (ر.ک: دیلینی، ۱۴۰۰، ص ۲۰۶ و ۲۱۵-۲۱۶). بنابراین، بررسی اینکه وبر چگونه مبتنی بر این نگاه انسان‌شناسانه محتوای نظریه‌اش را به شکل مذکور سامان داده، مصداقی برای روش‌شناسی نظریه است و این غیر از آن دسته

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

مباحث روش‌شناسانه وبر است که در کتابی با همین نام از او چاپ شده و در آن به بی‌طرفی اخلاقی، عینیت، منطق علوم فرهنگی و امکان عینی و علیت کافی در تبیین تاریخی پرداخته است (وبر، ۱۳۸۷، ص ۲). پرسش‌های اخیر در ذیل دسته بعد که به تـأثیر مبـانی در روش می‌پردازد قرار می‌گیرند.

۲-۴-۲-۲. روش‌شناسی: فلسفه بخشی از علم (یعنی روش علم)

اما قسم دوم مربوط به جایی است که «روش» به‌عنوان بخشی از علم مد نظر قرار می‌گیـرد. در اینجا منظور از روش‌شناسی مبانی یا اصول سازنده علم است، لکن مبانی یا اصـولی کـه آثـار آن بـر بخـش روش تحقیـق علـم ظـاهر می‌شـود. بـرای مثـال، می‌تـوان آثـار اصـل انسان‌شناسانه پیشین را که انسان حیوان معناساز است، بر روش تحقیق بررسی کـرد. بـراین اساس، اگر انسان معناساز است، برای شناخت انسان باید از روش‌های تفسیری و کیفی کـه می‌تواند به شناخت معنا کمک کند استفاده کرد و به تبع آن در روش تحقیق برای گردآوری و سپس تحلیل از روش‌های متناسب شناخت معـانی ذهنـی، ماننـد روش مصـاحبه سـاخت نایافته و غیره کمک گرفت. با این بیان، لزوم استفاده از روش‌های تفسیری بـرای فهـم کـنش انسانی یک اصل روش‌شناسانه است.

نمونه این تعاریف به قرار ذیل است:

اکاشـا، تعبیـر کوتـاهی در تعریـف فلسـفه علـم دارد و وقتـی فلسـفه علـم را معـادل روش‌شناسی بدانیم، از آن می‌توان چنین برداشتی داشت که روش‌شناسی به بررسی مبانی و اصول حاکم بر روش تحقیـق می‌پـردازد. او می‌گویـد: «کـار اصـلی فلسـفه علـم، تحلیـل روش‌های تحقیقی است که در علوم گوناگون به کار می‌رود (اکاشا، ۱۳۸۸، ص ۲۱).

تعریف پاوسون را که در دسته‌بندی لفظی به آن اشاره شد، در این دسته مفهومی می‌توان جای داد. پاوسون وقتی روش‌شناسی را به معنای روش‌شناسی و نه روش به‌کار می‌برد، به‌نظر

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

می‌رسد بحث درباره اصول معرفت‌شناسی و هستی شناسانه حاکم بر «تحقیق» را روش‌شناسی می‌داند.

تعریف ذیل از چاکرابورتی که پیش از این مطرح شد، افزون بر اینکه فرق چندانی بین روش‌شناسی و معرفت‌شناسی قائل نمی‌شد، آثار روش‌شناسی را در بخش روش تحقیق مطرح می‌کند. چاکرابورتی می‌گوید: منظور ما از روش مجموعه‌ای از ابزارها یا فنون است که با رویکردی که در پژوهش به کار می‌رود، صورتبندی می‌شود. اما روش‌شناسی به چهارچوبی مربوط می‌شود که روش‌های خاص در آن ارزیابی می‌شوند (چاکرابورتی، ۲۰۲۰، ص ۱۲).

تعریف دیگری از روش‌شناسی که به صراحت روش‌شناسی را ناظر به بخش روش تحقیق معرفی می‌کند، تعریف فرانکفورد و نچمیاس است. این دو می‌گویند: روش‌شناسی علمی، نظامی از قواعد و روش‌ها است که پژوهش بر اساس آنها استوار است و با استفاده از آنها ادعای معرفت ارزیابی می‌شود روش‌شناسی علمی، بنیان‌های منطقی معرفت استدلالی را توضیح می‌دهد (فرانکفورد و نچمیاس، ۱۳۹۰، ص ۲۳- ۲۴).

در تعریف سارانتاکوس نیز مضامینی مشابه با همین معنا به‌کار رفته است: روش‌شناسی مشتمل بر اصول و معیارهایی است که تحقیق علمی را هدایت و مدیریت می‌کند (رک: حسنی و دیگران در مقدمه بلیکی، ۱۳۹۳، ص ۳۰).

نیومن: نوعی پارادایم فکری حاکم بر تحقیق به وسیله روش‌شناسی معرفی می‌شود (همان). یا لاتر می‌گوید: در روش‌شناسی، اصول نظری یا چهارچوب نظری معرفی می‌شود که چگونگی انجام تحقیق بر اساس یک الگو یا پارادایم فکری راهنمایی می‌گردد (همان).

حسنی و همکاران نیز در مقدمه کتاب بلیکی پس از ذکر تعاریف مختلف از روش‌شناسی به همین برداشت یعنی اصول کلی و مؤثر بر روش تحقیق می‌رسند و

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

می‌گویند: در روش‌شناسی، نوعی شناخت و منطق حاکم است کـه بـرای مسـیر تحقیقـاتی محقق، توضیح و توجیه دارد؛ به‌طوری‌که اصول، دیدگاه یـا انگـاره فکـری بـه زبـان تحقیـق ترجمه و چگونگی ورود به دنیای اجتماعی و تبیین آن توضیح داده می‌شود (همان).

تا اینجا توجه‌دادن به این نکته به‌جا است که تعاریفی که ناظر به روش بود، دسـت‌کم در سطح تعاریف یافت‌شده فزونی بیشتری داشـت و در همـین سـطح، ایـن برداشـت تقویـت می‌شود که در ذهنیت پژوهشگران، روش‌شناسی، وقتی به مبانی و اصول فلسفه علمی توجه می‌کنند بیشتر ناظر به مبانی و اصولی است که در روش تحقیق کـاربرد دارد و بـه آن اعتبـار می‌بخشد. تعاریف دسته بعدی نیز شاهدی بر همین مـدعا هسـتند. لکـن توجـه شـود کـه هیچ‌کدام به بررسی روش‌های کاربردی تحقیـق نمی‌پردازنـد ولـی انتظـار دارنـد تحقیقـات علمی، مبتنی بر یافته‌هایشان سامان بگیرد. به‌لحاظ مصداقی نیز یافته‌هایشان عموماً ناظر به دو دسته کلی روش‌های کمی و کیفی است.

۵-۲-۲. روش‌شناسی: منطق و اصول انضمامی‌تر حاکم بر روش تحقیق

در نزد برخی محققان، روش‌شناسی ناظر به روش تحقیق و نه کلیت علم است امـا مبـانی و اصول روش‌شناسانه در سطحی انضمام‌تر از مبانی و اصـول فلسـفه علمـی قـرار می‌گیـرد و بجای آنکه مثلاً شامل اصول عام معرفت‌شناسانه مؤثر بر تولید علـم باشـد، شـامل اصـولی است که متناسب با روش تحقیق بازسازی و ناظر به آن طراحی و از آن حالت انتزاعی اولیـه خارج شده است.

تعریف سیلورمن از روش‌شناسی را تقریباً می‌تـوان در ایـن دسـته جـای داد: در نگـاه او روش‌شناسی رویکرد کلی بـه مطالعـه موضـوعات پـژوهش اسـت. در واقـع روش‌شناسـی به‌صورت مسـتقیم‌تری حکایـت از موضـع معرفـت شـناختی پژوهشـگر دارد. بـرای مثـال پژوهشگری که به طور برجسته‌ای دیدگاه تجربه‌گرایی را در کسب دانش اتخاذ کـرده اسـت،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

بیش از آن‌که از طریق صورتبندی‌های تئوریک به موضوعات پژوهش نزدیک شود، از طریق جمع‌آوری داده‌ها دست به چنین کاری خواهد زد (نـاروئی نصـرتی و دیگـران، ۱۴۰۲، ص ۴۰۰). سیلورمن روش‌شناسی را حاکی از معرفت‌شناسی و در ادامه آن می‌داند و کسی کـه در معرفت‌شناسی، منبع شناخت را تجربه می‌دانـد، در روش‌شناسـی کـه نـوعی اسـتراتژی پژوهش است به سمت روش‌های تجربی گردآوری می‌آید و از روش‌شناسی اسـتقرایی و نـه قیاسی استفاده می‌کند.

اما یکی از تعاریف روش‌شناسـی کـه تـلاش کـرده صـراحتاً بـین مبـانی فلسـفه علمـی و روش‌شناسی تمایز قائل شود و افزون بر آن، روش‌شناسی را ناظر به روش تحقیق مطرح سازد، تعریف میخائیل کروتی است. کروتی در فرایند هر تحقیق، بین چهار مرحله شبیه و مـرتبط بـا هم تمایز قائل می‌شود و می‌گوید در انجام یک تحقیق باید به چهار پرسش پاسخ دهیم: الف) در انجام تحقیق قصد داریم از چـه روش‌هـایی اسـتفاده کنـیم؟ ب) چـه روش‌شناسـی‌ای بـر انتخاب این روش‌ها حاکم است؟ ج) کدام چشم‌انداز نظری در پس روش‌شناسی مورد بحث قرار دارد؟ د) کدام معرفت‌شناسی از این چشم‌انداز نظری خبر می‌دهد؟

او سپس تعریف و ارتباط این مفاهیم چهارگانه را این‌گونه بیان می‌کند:

- روش: تکنیک‌ها یا طرز عمل‌هایی است که در گردآوری و تحلیل داده‌های مربوط بـه سؤالات یا فرضیه‌های تحقیق به‌کار می‌رود.
- روش‌شناسی: استراتژی، برنامه، فرآیند یا طرحی که در ورای انتخـاب و بـه کـارگیری روش‌های خاص قرار دارد و انتخاب و کاربرد روش‌ها را به نتایج مدنظر مرتبط می‌سازد.
- چشم‌انداز نظری: موضعی فلسفی است که درباره روش‌شناسی آگاهی بخشی می‌کند و در نتیجه زمینه‌ای را برای فرآیند کار فراهم می‌کند و منطق و ضوابط آن را بنا می‌نهد.[1]

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

• معرفت‌شناسی: نظریه معرفتی است که در چشم‌انداز نظری و در پی آن، در روش‌شناسی نهفته است.

کروتی این چهار مورد متمایز اما مرتبط را به‌صورت پیوستاری می‌بیند و با دو مثال منظور خود را بیان می‌کند: عینیت‌گرایی یک نوع معرفت‌شناسی است که به رویکرد نظری پوزیتویسم می‌انجامد و این رویکرد نظری به روش‌شناسی پیمایش و از آن روش تحلیل آماری حاصل می‌شود. کروتی در مثال دیگرش، سازه‌گرایی را معرفت‌شناسی برای رویکرد نظری کنش متقابل نمادین می‌داند. روش‌شناسی آن را که از مردم‌شناسی وام گرفته، مردم نگاری و روش آن را مشاهده مشارکتی معرفی می‌کند. کروتی مصادیق روش‌شناسی را تحقیقات تجربی، تحقیق پیمایشی، مردم‌نگاری، پدیدارشناسی، نظریه زمینه‌ای، مطالعات اکتشافی، اقدام عملی، تحلیل گفتمان و پژوهش دیدگاه فمنیستی نام می‌برد (Crootty, 1998, pp. 2-5).

جان کراسول و دیوید کراسول نیز هرچند از روش‌شناسی نام نمی‌برند اما الگویی شبیه به کروتی مطرح می‌کنند. آنها، یک رویکرد پژوهشی را دارای سه بخش مرتبط می‌دانند که عبارتند از جهان بینی (مجموعه اساسی از باورهایی که راهنمای عمل است. این جهان بینی که برخی آن را پارادایم نامیده‌اند شامل ابعاد معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی می‌گردد)، طرح یا استراتژی تحقیق (طرح‌های کمی، کیفی و ترکیبی) و روش تحقیق (روش‌های خاص تحقیق برای گردآوری و تحلیل (Creswell & Creswell, 2018, p. 37-45) در اینجا اگر طرح یا استراتژی تحقیق را همان روش‌شناسی بنامیم، سه طرح کلی کمی، کیفی و ترکیبی داریم. این بدان معنا است که در کل سؤالات روش‌شناسی حول مقایسه روش‌های کمی و کیفی و ترکیبی و ویژگی‌های آنها است.

از تعریف فیلسین شاله از روش‌شناسی نیز می‌توان چنین برداشتی داشت، اما برای دوری از اطاله متن، به ذکر منبع بسنده می‌شود (ر.ک: شاله، ۱۳۵۰، ص ۲۲-۲۵).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

۶-۲-۲. روش‌شناسی: بررسی اندیشه یا روش متفکران

یکی از معانی به‌کاررفته برای روش‌شناسی، مطالعه نظریه یا آثار یک متفکر و یا مطالعه روشی است که در سیر علمی بدان پایبند بوده است. هندز این نوع روش‌شناسی را روش‌شناسی کوچک یا روش‌شناسی توصیفی در مقابل روش‌شناسی حاکم در سابق می‌داند که روش‌شناسی بزرگ و تجویزی بوده است یعنی به‌جای بررسی اصول عام تجویزی که مثلاً در علم باید به تعمیم برسیم یا خیر، به بررسی و توصیف مسیر طی شده از سوی یک متفکر خاص می‌پردازد (ر.ک: توکلی، ۱۳۹۸، ص ۲۴۷). این دیدگاه به جامعه‌شناسی معرفت نزدیک است که به انگیزه‌ها و علاقه‌های اجتماعی دانشمندان در فرایند تولید علم توجه می‌کند و علم را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی مورد فهم قرار می‌دهند (ر.ک: همان، ص ۲۶۵-۲۶۶).

در روش‌شناسی متفکر، گاه به مطالعه نظریه متفکر می‌پردازند و گاه نیز به بررسی روشی که متفکر در مطالعات خود و برای تولید نظریات، به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از آنها بهره جسته است. نمونه آن مقاله «ده گام اصلی روش‌شناختی در تحلیل تبارشناسانه فرهنگ؛ با اتکا به آراء میشل فوکو» (کچویان و زائری، ۱۳۸۸) است که مراحل انجام یک تحقیق تبارشناسانه را از آثار فوکو استخراج و آن را توضیح می‌دهد. همچنین به برخی تکنیک‌های مورد استفاده فوکو می‌پردازد. مثال دیگرش مقالات متعددی است که با عنوان روش‌شناسی علامه طباطبایی در پایگاه‌های علمی قابل دریافت است و در متن این مقالات به شناسایی و توضیح روش تفسیری علامه طباطبایی یا جزئی از این روش مانند شیوه بهره‌گیری از قیاس و غیره پرداخته‌اند.

۷-۲-۲. روش‌شناسی: بررسی فرایند انجام تحقیق

یک معنای متصور و منطقاً درست و در جای خود مفید برای روش‌شناسی می‌تواند بررسی فرایند کلی حاکم بر پژوهش و مراحل آن از مسئله‌یابی تا تحلیل و نتیجه‌گیری باشد که از طریق آن کلیت

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

مسیر و استراتژی حاکم بر تحقیق، شناسایی می‌شود. مثلاً بررسی مراحل و فرایند تحقیق کیفی یا کمی یا یکی از مصادیق این دو را می‌توان روش‌شناسی نامید. یک نمونه چنین تعریفی را از مک لاپ می‌توان نقل کرد. او روش‌شناسی را متکفل استدلال و منطقی‌کردن روند تحقیق علمی ازجمله شکل دادن به مفاهیم، ساختن مدل‌ها، فرمول‌بندی فرضیه‌ها و آزمون نظریه‌های علمی می‌داند (توکلی، ۱۳۹۸، ص ۲۴۴). برخی دیگر در بیان فهم خود از روش‌شناسی به فرایند انجام کار توجه کرده‌اند اما منظورشان فرایند کلی حاکم بر کار علمی در سطح پارادایمی و فلسفه علمی است: «زمانی که بحث روش‌شناسی مطرح می‌شود به این معنا نیست که روش‌شناسی لزوماً در قسمت خاصی از سلسله‌مراتب معرفت و همچون ابزاری به خدمت ما می‌آید تا معرفت را کسب کنیم. بلکه کل چرخه معرفتی که از هستی‌شناسی آغاز می‌شود و تا واقعیت ادامه پیدا می‌کند، در گیر فرایندهای روش‌شناختی است.» دراین‌صورت می‌توان گفت برخی وقتی از فرایند سخن می‌گویند منظورشان توضیح طی مسیر کلی علم از مبانی به گزاره یا همان تعریف پارادایمی یا فلسفه علمی از روش‌شناسی است. شبیه چنین برداشتی را ناروئی نصرتی و همکاران نیز مطرح کرده‌اند (ناروئی نصرتی و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۴۰۱).

۸-۲-۲. روش‌شناسی: مطالعه روش‌های کاربردی

تعاریف نخست، روش‌شناسی را از سنخ فلسفه علم می‌دانست. بدین شکل که نقطه آغازین حرکتش، مبانی یا اصول آن علم است و بر اساس آن به نکاتی برای تولید علم معتبر می‌رسند و انتظار دارند، روش‌های تحقیق مبتنی بر آنها تنظیم شود. اما تقریباً مشاهده نشد که نقطه آغاز حرکت، روش‌های تحقیق کاربردی باشد و در روش‌شناسی، مطالعه این روش‌ها از حیث اعتبار، قلمرو، کارآمدی و غیره مد نظر قرار گیرد. با اینکه مطالعه روش‌های کاربردی با عنوان روش‌شناسی منطقاً نادرست نیست بلکه در جای خود درست، مفید و ضروری است، کمتر چنین فهمی از روش‌شناسی قابل مشاهده است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

در کل، از عبارت کسانی که روش‌شناسی را تحت‌اللفظی معنا و آن را مطالعه روش‌ها می‌نامند، می‌توان چنین برداشتی داشت. ازجمله مواردی که احتمالاً می‌توان چنین برداشتی از روش‌شناسی داشت، تعریف فیلیسن شاله است. شاله روش‌شناسی را مطالعه قوانین مربوط به نقد مدارک در تاریخ یا روش آزمایش در شیمی می‌داند و می‌گوید چون منطق عملی، وسائل و اسلوب‌هایی که برای رسیدن به حقیقت است، یعنی روش‌ها و متدهای علوم را مطالعه می‌کند، می‌توان نام آن را شناخت علوم یا متدولوژی گذاشت (ر.ک: شاله، ۱۳۵۰، ص ۲۵) این عبارت با این معنا سازگاری دارد که قوانین موجود برای انجام آزمایش نقد تاریخی را مطالعه و ارزیابی کنیم که به معنای مطالعه روش‌های کاربردی است.

تعریف کوتاهی را که پیش از این از اکاشا نقل شد نیز می‌توان ناظر به روش‌های کاربردی فهم کرد. «کار اصلی فلسفه علم، تحلیل روش‌های تحقیقی است که در علوم گوناگون به کار می‌رود (اکاشا، ۱۳۸۸، ص ۲۱).

پارسانیا، روش‌شناسی را به دو نوع روش‌شناسی بنیادین و روش‌شناسی کاربردی تقسیم می‌کند. طبق آن، روش‌شناسی کاربردی، روش کاربرد یک نظریه علمی را شناسایی می‌کند (ر.ک: پارسانیا، ۱۳۹۲، ص ۱۰). البته این معنا غیر از بررسی انواع روش‌های کاربردی است.

شریفی نیز در تعریف روش‌شناسی می‌گوید: به اعتقاد ما روش‌شناسی دانشی درجه دو است که به بررسی و تحلیل روش می‌پردازد. روش‌شناسی دانش بررسی میزان قابلیت و توانمندی روش‌های گوناگون در در دستیابی به واقعیت و حقیقت پدیده‌های مورد مطالعه و همچنین میزان موفقیت آن‌ها در دستیابی به اهداف مورد نظر است (شریفی، ۱۳۹۵، ص ۳۳). و در بیان دیگر می‌گوید: خلاصه آنکه روش یعنی راهی که محقق در سلوک علمی خود طی می‌کند و روش‌شناسی یعنی علمی که عهده‌دار تحلیل و بررسی میزان موفقیت آن راه در مقایسه با راه‌های بدیل است (همان، ص ۳۴). لکن ایشان به‌صورت مصداقی و در

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

فصول مختلف کتاب در هنگام مطالعه روش‌شناسانه خود به بررسی روش تعریف، روش توصیف، روش استدلال و انواع آن (به‌لحاظ صوری: قیاس، استقراء و تمثیل و به‌لحاظ محتوا: برهان، جدل، مغاطله، شعر و خطابه)، روش تفسیر، روش پیش‌بینی و روش ارزیابی می‌پردازد و در عمل، به ارزیابی درجه دو روش‌های کاربردی نپرداخته و مباحث عمدتاً از جنس فلسفه علمی است.

اما روند مواجه طالبان با روش‌شناسی مطالعات انقلاب جالب است. ایشان روش‌شناسی را با رویکرد فلسفه علمی آغاز می‌کند؛ اما در نهایت پای روش‌شناسی را به میدان مطالعه روش‌های کاربردی در حوزه انقلاب باز می‌کند. طالبان مناقشات یا پرسش‌های اساسی روش‌شناسی در علوم اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسی را مشتمل بر برخی دوگانه‌ها مانند: عام/ خاص، تبیین/ تفهم، تعمیم/ تفرید، کمی/ کیفی، نظریه‌آزمایی/ نظریه‌پردازی، قیاس/ استقرا و غیره می‌داند که در قالب سنت‌های پژوهشی کمی و کیفی مطرح می‌شوند و سپس مجادله روش‌شناسی در مطالعات انقلاب را بخشی از مناقشه اصلی روش‌شناختی بین دو پارادایم پژوهشی کمی متغیرمحور و کیفی موردمحور می‌داند و بازتاب مناقشه روشی در تحقیقات مربوط به انقلاب را به طور عمده در دو روش تطبیقی تاریخی که به طور مفصل و عمیق به بررسی موردهای معدودی از پدیده‌های کلان اجتماعی می‌پردازند، و روش آماری بین‌کشوری که با تعداد زیادی از موردها کار می‌کند، می‌داند و در ادامه در مطالعه روش‌شناسانه خود در حوزه انقلاب، کلیه مطالعات این حوزه را در سه طبقه یا استراتژی روشی جای می‌دهد: ۱. مقایسه کشورهای متعدد (به‌صورت کمی و مطالعه تطبیقی کمی)؛ ۲. مقایسه کشورهای معدود (به‌صورت کیفی و مطالعه تطبیقی- تاریخی)؛ ۳. مطالعات تک کشوری (مطالعه کیفی) (ر.ک. طالبان، ۱۳۹۳، ص ۶ الی ۱۷). طالبان در ادامه و در فصول بعد به بررسی همین سه روش در مطالعه انقلاب

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

می‌پردازد و به‌بیان‌دیگر در مطالعه روش‌شناسانه موضوع خاص خود یعنی انقلاب، به‌جای پرداختن به دوگانه‌های مطرح شده در روش‌شناسی به مطالعه این سه روش کاربردی و ارزیابی آن‌ها می‌پردزاد.

۹-۲-۲. روش‌شناسی: بررسی روش‌های به‌کاررفته در تحقیقات

یک معنای متصور دیگر برای روش‌شناسی، شناخت روش یا مسیری است که یک تحقیق خاص برای پاسخ به پرسش خود باید طی کند. اگر در طرح‌های تحقیق، از تعبیر روش‌شناسی آن تحقیق سخن به میان آید، چنین معنایی مد نظر است. یعنی پژوهشگر می‌خواهد روش و مراحلی که برای کار خود در نظر گرفته را بیان و منطق این انتخاب و نسبت آن را با مسئله تحقیق مشخص سازد.

اما درک دیگری از روش‌شناسی که رایج‌تر است و در عمل بیشتر به‌کار می‌رود آن است که پس از انجام یک تحقیق و در هنگام ارزیابی آن، ازجمله آن را از منظر روشی بررسی می‌کنند و درباره مواردی از این قبیل نظر می‌دهند که آیا از روش مناسبی استفاده کرده است؟ آیا مراحل کار را به درستی طی کرده است؟ آیا یافته‌ها از اعتبار کافی برخوردارند؟ ... به این عمل ارزیابی روش به‌کاررفته در یک تحقیق، روش‌شناسی گفته می‌شود. چنین برداشتی از روش‌شناسی، در عمل و در افواه پژوهشگران مورد توجه قرار می‌گیرد ولی ظاهراً در تعاریف روش‌شناسی چنین معنایی مدنظر قرار نگرفته است.

۳. نتیجه‌گیری

یکی از ابهامات حوزه روش‌شناسی ناشی از کاربردهای نابه‌جای روش و روش‌شناسی به‌جای یکدیگر یا استفاده از یک اصطلاح برای هر دو معنا است. اما ابهام اصلی مربوط به محتوا و مقصود از تعاریف ذکرشده برای روش‌شناسی است که تلاش شد با دسته‌بندی و

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

توصیف هر یک، به کاهش ابهام کمک شود. توضیحات ذیل برای ارائـه خلاصـه و ایضـاح بیشتر از خروجی مقاله است.

۱. تعاریف روش‌شناسی را در یک بیان می‌توان به دو دسته تقسیم کـرد. الـف) تعـاریف برآمده از فلسفه علم یا پارادایم، ب) تعاریف انضمامی‌تر غیربرگرفته از فلسفه علم یا پارادایم که بیشتر در درون علم قرار می‌گیرند.

عموماً وقتی از روش‌شناسی بحث می‌شود، برداشت نخست از روش‌شناسی که متأثر از فلسفه علم است، مدنظر قرار می‌گیرد. فلسفه علم، نگاه درجه دوم به علـم موجـود اسـت و براین‌اسـاس می‌تـوان بـه روش‌هـای کـاربردی علـم نیـز از منظـری درجـه دوم نگریسـت، بااین‌حال، در این معنا از روش‌شناسی عمدتاً به‌جای چنین نگاهی، مسئله را از پیش‌فرض‌ها و مبانی علم، همچون مبانی معرفت‌شناسی و تأثیر آن بـر روش تولیـد علـم آغـاز می‌کننـد؛ بنابراین، روش‌شناسی در ذیل فلسفه علم قرار می‌گیرد نه در ذیل خود علم و نقطه عزیمـت، مبانی علم است نه اجزای علم موجود؛ همچون روش آن. ازاین‌رو، از روش‌هـای کـاربردی که جزء علم محسوب می‌شود، فاصله می‌گیرد. با این حال، آثار آن در روش‌هـای کـاربردی می‌تواند ظاهر شود. به‌طورخلاصه، در این برداشت، روش‌شناسی علـم بررسـی روش‌هـای تحقیق نیست؛ علم بررسی اصول حاکم بر روش‌های تحقیق است. حتی گـاه علـم بررسـی اصول حاکم بر روش‌های تحقیق هم نیست. بلکه علم بررسی اصول حاکم بر کلیـت علـم است. این برداشت در تعریف اول و دوم یعنی تعریف روش‌شناسی به پارادایم و فلسفه علم که به کلیت علم می‌پردازد، شکل می‌یابد. در این حالت، از روش فاصله بیشتری می‌گیرد و در آن مثلاً از این بحث می‌شود که آیا علوم انسـانی، ماننـد علـوم طبیعـی اسـت و بـا زبـان ریاضی زندگی انسانی را می‌شود توضیح داد یا نمی‌شود؟ آیا در زیست‌جهان انسـانی قـانون حاکم است یا همه چیز فردی و منحصر به فرد است؟ نزاع‌های روش‌شناسی بسیاری اوقات

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

در همین سطح فلسفه علم یا پارادایم باقی می‌ماند و از روش چنان فاصله می‌گیرد کـه گـاه، روش‌شناسی‌هایی که در تقابل با هم‌اند، بی‌هیچ تعصبی، به روش و تکنیکی خاصـی اجـازه دهند تا در چهارچوب کار علمی مورد نظر آنها حاضـر و فعـال باشـند. مـثلاً روش‌شناسـی تحلیل گفتمانی و پدیدارشناسی، در پیش‌فرض‌ها تضاد دارند اما هر دو به تکنیک‌های زبانی تن می‌دهند.

۲. در نزد برخی، این مبانی و اصول مطرح در روش‌شناسی، مبانی کلان علم‌شناسی و از نوع ادراکات معرفت‌شناسانه یا هستی‌شناسانه و غیـره اسـت؛ مخصوصـاً بـرای کسـانی کـه می‌خواهند با این مبانی درباره کلیـت یـک علـم داوری کننـد. امـا گـروه زیـادی بـر مبـانی معرفت‌شناسانه متمرکز شده‌اند و بـه بقیـه مبـانی بی‌توجهنـد. کسـانی کـه از روش‌شناسـی برداشت معرفت‌شناسانه دارند، به‌دنبال بررسی تأثیر این مبنا بر روش کار علمی هستند.

۳. در نزد برخی دیگر مثل کروتی به مجموعه مبانی پایبند مانده‌اند اما به مبانی و اصـول خاص و انضمامی‌تری توجه کرده‌اند که بی‌واسطه بر روش اثر می‌گذارنـد و روش‌شناسـی را از اصول عام معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه تفکیک می‌کنند.

۴. روش‌شناسی چنان که برخی گفته‌اند یک مجموعه اصول عملـی و هنجـاری اسـت یـا مباحثی نظری است که به یک مجموعه اصول عملی و هنجاری می‌انجامد و نحوه انجام کـار علمی یا تحقیق را مشخص می‌سازد و به آن جهت می‌دهد. مثلاً مشخص می‌کند که آیـا بایـد به سمت کشف معنای کنش رفت یا علت آن را دریافت. اگر اولی باشد، گـردآوری اطلاعـات از طریق مصاحبه و اگر دومی باشد، از طریق مشاهده یا پرسشنامه صورت می‌گیرد

۵. در برخی دیدگاه‌های جدیدتر، به روش‌شناسی بزرگ قائل نیستند تا روش تولیـد یـک علم را بررسی کنند و در نهایت تجویزاتی برای علم ارائه کنند، بلکـه در ذیـل روش‌شناسـی کوچک، به توصیف روش تولید علم در نزد یک متفکر می‌پردازند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

۶. مسئله مهم، خروجی و محل کاربرد مباحث روش‌شناسانه است. چنان که بخشی از توضیح آن در شماره ۱ نتیجه‌گیری گذشت، وقتی از منظر فلسفه علمی به روش‌شناسی و خروجی آن نگریسته می‌شود، مبانی و اصول روش‌شناسانه یا ناظر و معطوف به کلیت علم مطرح می‌شوند و آثارش را در جهت‌گیری‌ها و هویت علم می‌توان مشاهده کرد و یا ناظر و معطوف به روش تحقیق یا روش تولید نظریه در علم است. دراین‌صورت، می‌توان پرسید: روش‌شناسی معطوف یا مضاف به چیست؟ مضاف به علم است یا نظریه یا روش؟ درنتیجه، می‌توان با عناوین، روش‌شناسی علم، روش‌شناسی نظریه یا روش‌شناسی روش از آن‌ها یاد کرد. البته وقتی از روش‌شناسی نظریه سخن می‌رود، دو معنا از آن متصور است، یکی روش آزمون یا تولید نظریه که در واقع همان روش‌شناسی روش است و گاه منظور بررسی تأثیر مبانی و اصول بر محتوای نظریه است که با توضیحی که آمد، چون به بررسی علم بماهو علم نمی‌پردازد بلکه به مطالعه یک نظریه خاص دست می‌زند، از جرگه فلسفه علم به معنای رایج آن، خارج می‌شود. با این حال، روش‌شناسی نظریه متفکر در تلقی‌های جدید که علم را روایت و نه فاروایت می‌دانند، جزء فلسفه علم قرار می‌گیرد. لکن در اینجا تعریف و مختصات علم، دچار تغییرات بنیادین شده به‌طوری‌که علم و ناعلم یکی شده‌اند.

اما در تعاریف دیگر، روش‌شناسی از فلسفه علم فاصله می‌گیرد. تعاریفی که روش‌شناسی را بررسی فرایند انجام تحقیق، بررسی روش‌های کاربردی و یا روش‌های به‌کاررفته در تحقیقات می‌دانستند، در این دسته جای دارند. در این تعاریف، بحث درباره مبانی و پیش‌فرض‌های علم نیست. در اینجا، هم هدف و خروجی تعریف تغییر می‌کند و هم محتوای مباحث و در مجموع، این موارد، به شناسایی روش استفاده شده از سوی یک متفکر یا فرایند تحقیق یا بررسی روش‌های کاربردی و یا روش به‌کاررفته در یک تحقیق می‌پردازند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

پژوهشگر وقتی به این تنوع از تعاریف آگاهی یابد، درمی‌یابد که متناسب با هر تعریف باید به‌دنبال چه نوع پرسش‌های روش‌شناسانه‌ای باشد و نیز می‌فهمد که چه پرسش‌هایی در این تعریف بی‌وجه است و در کل می‌فهمد که چه تنوعی از پرسش‌ها در روش‌شناسی قابل طرحند و جایگاه هر یک کجاست. برای مثال، در روش شناسی نظریه متفکر و روش شناسی به مثابه پارادایم، از مبانی بحث می‌شود، اما اولی از مبانی نظری یک متفکر و دومی از مبانی سازنده یک علم سخن می‌رود. چنان که در اولی یک کار توصیفی است اما در دومی به‌دنبال تجویز و تعیین دستورالعمل برای حرکت علمی است و نباید این دو با هم خلط شوند. چنان که در روش‌شناسی فرایند تحقیق، اساساً چنین مسائلی مطرح نیست و به‌جای آن از تأثیر فرایند کار بر نتیجه کار سخن می‌رود یا در روش‌شناسی به معنای بررسی روش علمی (روش‌های عام کمی و کیفی) چنین پرسشی مجال طرح می‌یابد که پژوهشگر باید از موضع ناظر بیرونی و بی‌طرف تحقیق کند یا باید به افراد مورد مطالعه نزدیک شود و با آن‌ها همدلی کند.

۷. به‌طورخلاصه می‌توان انواع روش‌شناسی را با عناوینی چون روش‌شناسی علم (کلیت و هویت علم)، روش‌شناسی نظریه علمی، روش‌شناسی روش علمی (مطالعه عام روش‌های کمی و کیفی)، روش‌شناسی روش‌های‌تحقیق کاربردی (مطالعه هر روش خاص)، روش‌شناسی متفکر (اعم از نظریه یا روش خاص او) روش‌شناسی فرایند تحقیق، روش‌شناسی روش‌های به‌کاررفته (در هر تحقیق) نام‌گذاری کرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

کتابنامه

۱. اکاشا، سمیر. ۱۳۸۸. **فلسفه علم، مقدمه‌ای بسیار کوتاه**. ترجمه ابوالفضل حقیری کاشانی. تهران: امیرکبیر.

۲. ایمان، محمدتقی و احمد کلاته ساداتی. ۱۳۹۹. **روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان**. چ ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۳. آقانظری، حسن. ۱۳۹۶. **روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی با رویکرد واقعیت نهادی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سمت.

۴. بک، چریل تاتانو. ۱۴۰۰. **مقدمه‌ای بر پدیدارشناسی با تمرکز بر روش‌شناسی**. ترجمه الهام ابراهیمی و سیدمحسن علوی پور. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۵. بلاگ، مارک. ۱۳۸۰. **روش‌شناسی علم اقتصاد؛ اقتصاددانان چگونه تبیین می‌کنند**. ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی. تهران: نشر نی.

۶. بلیکی، نورمن. ۱۳۹۳. **پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی**. ترجمه، تدوین، مقدمه و تعلیقات: سیدحمیدرضا حسنی، محمدتقی ایمان، سیدمسعود حامدی. چ ۲. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۷. توکلی، محمدجواد. ۱۳۹۸. **مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۸. حسنی، سیدحمیدرضا و دیگران. ۱۳۹۳. «مقدمه» در: **پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی**، نورمن بلیکی، ترجمه، تدوین، مقدمه و تعلیقات: سیدحمیدرضا حسنی، محمدتقی ایمان، سیدمسعود حامدی. چ ۲. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

۹. حسین‌زاده، محمد. ۱۳۹۶ الف. **فرامعرفت‌شناسی: روش تحقق و روش‌شناسی پژوهش در معرفت‌شناسی**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۱۰. حسین‌زاده، محمد. ۱۳۹۶ ب. **فرامعرفت شناسی: پارادایم افسانه یا واقعیت**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۱۱. دیلینی، تیم. ۱۴۰۰. **نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی**. ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی. چ ۱۴. تهران: نشر نی.

۱۲. شاله، فیلیسین. ۱۳۵۰. **شناخت روش علوم یا فلسفه علمی**. ترجمه یحیی مهدوی. تهران: دانشگاه تهران.

۱۳. شریفی، احمدحسین. ۱۳۹۵. **روش‌شناسی علوم انسانی‌اسلامی**. تهران: آفتاب توسعه.

۱۴. طالبان، محمدرضا. ۱۳۹۳. **روش‌شناسی مطالعات انقلاب با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران**. چ ۲. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

۱۵. غنی‌نژاد اهری، موسی. ۱۳۹۷. **گفتارهایی در روش‌شناسی علم اقتصاد**. تهران: مینوی خرد.

۱۶. فرامزقراملکی، احد. ۱۳۸۵. **روش‌شناسی مطالعات دینی (تحریری نو)**. چ ۴. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۱۷. فرانکفورد، چاوا و نچمیاس دیوید. ۱۳۹۰. **روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی**. با مقدمه باقرساروخانی. چ ۲. تهران: سروش

۱۸. فی، برایان. ۱۳۸۱. **فلسفه امروزین علوم اجتماعی (با نگرش چند فرهنگی)**. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو.

۱۹. کچویان، حسین و قاسم زائری. ۱۳۸۸. «ده گام اصلی روش‌شناختی در تحلیل تبارشناسانه فرهنگ؛ با اتکا به آراء میشل فوکو». **راهبرد فرهنگ**، ش ۷، ص ۷-۳۰.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]

۲۰. لازی، جان. ۱۳۶۲. **درآمدی تاریخی به فلسفه علم**. ترجمه علی پایا. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۲۱.وبر، ماکس. ۱۳۸۷. **روش‌شناسی علوم اجتماعی**. ترجمه حسن چاوشیان. چ ۳. تهران: نشر مرکز.

22. Crootty, Michael. 1998. **The foundation of Social Research**, Ausralia: Allen and Unwin.

23. Cartwright Nancy and Montuschi Eleonora. 2014. **Philosophy of Social Science, A New Introduction**. United Kingdom: Oxford University Press.

24. Wiatr, Jerzy J. 1979. **Polish essays in the methodology of the social sciences**. (Boston studies in the philosophy of science; v. 29), Holland: D. Reidel Publishing Company.

25. Rajat Acharyya and Nandan Bhattacharya (edited). 2020. **Research methodology for social sciences (Contemporary Issues in Social Science Research)**, London & New York: Routldge.

26. Chakraborty Achin. 2020. Methodological or episetomological issues in social research in: **Research methodology for social sciences (Contemporary Issues in Social Science Research)**. London & New York: Routldge.

27. Creswell, John W & J. David Creswell. 2018 .**Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches**. Fifth edition. Los Angeles: SAGE.

28. Neuman, W. Lawrence. 2014. **Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches**. Seventh Edition. Pearson Education Ltd, Harlow, Essex, United Kingdom.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-05]